

How to supervise the functions of the executive of the executive branch of Iran

Gholamreza Saf ara, Siavash Shoja Pourian, Shapour Farhangpour

Date Received : 16 February 2024 Date Accepted : 27 February 2024

Abstract:

The present research has investigated the effects of managers' aggression on the issue of joint-stock companies from the perspective of Iranian and British law. In the review and analysis of the legal position of the managers of commercial companies, it seems; From some aspects, it is logical to apply the theories of representation, representation and being an employee; But today, the application of these views to the legal relationship of managers with a joint-stock company is seriously questionable from all angles as a complete theory, because it requires limited authority for them, which is in conflict with the requirements of business affairs in today's world. For this purpose, a new theory was proposed by German jurists under the title of organic theory; which is useful for full powers for company managers. According to this theory, managers and the company are one. In other words, managers are considered the company itself, and their actions and decisions are considered the company's actions and decisions. But in analyzing the legal status of managers as a pillar of the company, it should be done with a legislative approach and away from extremes. Although the Iranian legislator has not explicitly mentioned managers as a pillar of the company, but by inference from some legal articles, including articles 118, 17 and 135 of the amendment bill of the trade law and article 7 of the company registration law; Managers are a pillar of the company. In the English legal system, the aforementioned theory was first developed and elaborated by the judicial procedure to justify the civil and criminal liability of the legal entity, and later it was accepted according to Article 40 of the 2006 Law of Companies.

Keywords: Managers, joint stock companies, Iranian law, English law



آثار تجاوز مدیران از موضوع شرکت های سهامی از منظر حقوق ایران و انگلستان

غلامرضا صف آرا^۱ سیاوش شجاع پوریان^۲ شاپور فرهنگ پور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی آثار تجاوز مدیران از موضوع شرکت های سهامی از منظر حقوق ایران و انگلیس پرداخته شده است. در بررسی و تحلیل جایگاه حقوقی مدیران شرکت های تجاری به نظر می رسد؛ از برخی جنبه ها اعمال نظریه های وکالت، نمایندگی و مستخدم بودن منطقی می باشد؛ اما امروزه اعمال این دیدگاه ها نسبت به رابطه حقوقی مدیران با شرکت سهامی، از تمام زوایا به عنوان یک نظریه ی کامل محل تردید جدی است، زیرا مستلزم اختیارات محدود برای آنها می باشد که با اقتضائات امور تجاری در دنیای امروز در تعارض است. به این منظور نظریه ی جدیدی از سوی حقوق دانان آلمانی تحت عنوان نظریه ی رکنیت یا ارگانیک مطرح شد؛ که مفید اختیارات کامل برای مدیران شرکت می باشد. به موجب این نظریه مدیران و شرکت یکی هستند. به عبارت دیگر مدیران، خود شرکت محسوب می شوند و اعمال و تصمیمات آنها اعمال و تصمیمات شرکت محسوب می شود. ولی در تحلیل جایگاه حقوقی مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت باید با رویکرد قانون گذار و به دور از افراط اقدام گردد. اگرچه قانون گذار ایران صریحا از مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت یاد نکرده است ولی با استنباط از برخی مواد قانونی از جمله مواد ۷۱ و ۸۱۱ و ۵۳۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت و ماده ی ۷ قانون ثبت شرکت ها به نظر می رسد؛ مدیران رکنی از ارکان شرکت هستند. در نظام حقوقی انگلستان هم نظریه ی مذکور ابتدا ساخته و پرداخته رویه ی قضایی، برای توجیه مسئولیت مدنی و کیفری شخص حقوقی بود و بعدها به موجب ماده ی ۴۰ قانون ۲۰۰۶ شرکت ها پذیرفته شد.

واژگان کلیدی: مدیران، شرکت های سهامی، حقوق ایران، حقوق انگلستان

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

safara۴۸@yahoo.com

۲- استادیار گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسول)

siavash@vatanmail.ir

۳- استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

farhangpour@yahoo.com

امروزه در کمتر رابطه ی تجاری بین المللی است؛ که شرکت های تجاری به ویژه شرکت های سهامی نقش اساسی ایجاد نمایند. دیگر شرکت های تجارت جهانی در قالب معاملات خرد افراد حقیقی نمی گنجد. افراد حقیقی، نه به عنوان عناصر متشکل جامعه تجاری، بلکه به عنوان صاحبان سرمایه های کوچک در بطن شرکت های تجاری که دارای شخصیت حقوقی است جذب شده و از هویت فردی تهی گردیده اند. از طرف دیگر شرکت ها می توانند دارای کلیه حقوقی و امتیازاتی شوند؛ که قانون برای اشخاص حقیقی قائل شده، اما حقوق و توانایی ها به لحاظ اعتباری بودن شرکت، از عهده آنان خارج است و به ارکان از شرکت متشکل از اشخاص حقیقی واگذار شده است.

امروزه به دلیل اهمیت شرکت ها و وظایف و اختیارات هیئت مدیره و مدیران در انواع شرکت های مختلف این امر بیش از پیش مورد عنایت قانونگذار در قانون تجارت قرار گرفته است. یکی از مهمترین مسایلی که در این راستا به چشم می خورد حدود و مسئولیت هیأت مدیره و مدیر عاملان در شرکت های تجاری به خصوص شرکت های سهامی می باشد.

تبیین جایگاه حقوقی مدیران در شرکت، برای تعیین حدود اختیارات مدیران شرکت های تجاری از اهمیت بسیاری برخوردار است. این اهمیت علاوه بر جنبه نظری از نقطه نظر عملی هم آثار گسترده ای را نه تنها بر شرکت و سهامداران بلکه بر اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت به جای می گذارند. جایگاه حقوقی مدیران در شرکت سهامی همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده است. برطبق یک نظر مدیران شرکت تجاری وکیل آن شرکت هستند. طبق نظر دیگر مدیران شرکت، نمایندگان آن شرکت می باشند. برخی دیگر از حقوقدانان مدیران را مستخدم شرکت تلقی کرده اند. بالاخره عده ای از

حقوقدانان مدیران را به عنوان رکنی از ارکان شرکت محسوب کرده اند. امروزه اشخاص ثالثی که با مدیران شرکتهای تجاری و مدنی که در مقام نماینده شرکت می باشند نسبت به انعقاد عقد مبادرت می نمایند؛ از حیث احقاق حقوق خود با مشکل مواجه می باشند. یعنی از جهت اینکه شرکت را طرف دعوی قرار دهند یا مدیران را دچار سردرگمی هستند. حال در این صورت وقتی مدیران در مقام نماینده موارد مقرر شده قانونی و قراردادی فیما بین خود و شرکت را رعایت کرده باشند؛ چنین عقدی صحیح و نافذ خواهد بود. لذا شخص ثالث علیه شرکت طرح دعوی خواهد کرد در غیر این صورت ماهیت عقد فضولی خواهد بود و امکان مراجعه به شرکت نیست. البته همیشه اینگونه نیست. یعنی بعضا قانون برای حمایت حقوق اشخاص ثالث اقدام می کند و حتی در صورت عدم رعایت موازین قانونی از سوی مدیران، شخص ثالث می تواند همچنان به شرکت مراجعه نماید. به هر ترتیب با بررسی ماهیت عقود منعقد شده از سوی مدیران با اشخاص ثالث تکلیف اشخاص ثالث مشخص خواهد شد تا به چه شخص یا اشخاصی جهت احقاق حق خود مراجعه نمایند و در صورت فضولی بودن عقد و عدم رعایت

موازین از سوی مدیر، مسئولیت مدیر در قبال اشخاص ثالث و همچنین شرکت نیز مشخص خواهد گردید.

۱ - مفهوم مدیران

مدیر اسم فاعل از مصدر اداره می‌باشد و اداره در لغت به معنای دور دادن، گرداندن، چرخاندن، به گردش در آوردن، روبراه کردن، گرداندن کار و کارگردانی آمده است.^۱ مدیر نیز به معنای گرداننده و اداره کننده آمده است.^۲ مدیر در اصطلاح حقوق اداری به مأمور عالی‌رتبه‌ای گفته می‌شود؛ که در رأس یک موسسه کار می‌کند. در حالی که در اصطلاحات حقوق تجارت به شخصی اطلاق می‌شود؛ که گردش کارهای جاری شرکت یا بنگاه به دست او می‌باشد.^۳

اگرچه قانون‌گذار واژه‌ی اداره‌ی شرکت توسط (هیات مدیره) را برای اولین بار در لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به کار برده است، اما در آن به طور صریح و مجزا از مدیر شرکت سهامی تعریفی به عمل نیاورده است، ولی آن را از روح مقررات لایحه‌ی قانونی یاد شده، می‌توان استنباط کرد. با وجود این، به نظر نمی‌رسد؛ با پرهیز از تعریف موضوع با چنین اهمیتی بتوان مشکلات مربوط به آن را حل کرد. در هر حال در مقام تعریف مدیر شرکت سهامی شاید بتوان گفت: مدیران اشخاصی هستند که به وسیله سهام داران یا شرکاء برای دوره‌ی زمانی معینی جهت اداره‌ی شرکت تعیین می‌شوند.

قانون تجارت ایران، اداره‌ی امور شرکت‌های تجاری را بر عهده‌ی مدیر یا مدیران منتخب مجامع عمومی یا شرکاء، بر حسب مورد قرار داده است. در شرکت‌های غیر سهامی اداره‌ی امور شرکت به وسیله‌ی مدیر واحد پذیرفته شده است. در حالی که در شرکت‌های سهامی مطابق ماده‌ی ۱۰۷ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت، اداره جمعی شرکت به وسیله‌ی مدیران پیش بینی شده است.

۵۱

در ارتباط با تعریف مدیران، تفاوت چشمگیری میان معنی مدیر در قانون ناظر به شرکت‌های سهامی و درک عرف و حتی جامعه حقوقی وجود دارد. در لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ هر کجا از مدیران نامی برده شده، منظور اعضای هیات مدیره است. در این تعریف مدیر عامل به صراحت در کنار عبارت مدیران به گونه‌ای آورده شده تا از مفهوم مدیران خارج گردد. این در حالی است که در نگاه بسیاری، مدیر عامل مدیر واقعی شرکت سهامی محسوب می‌گردد. لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ با کاربرد عبارت مدیران به عنوان مفهومی معادل هیات مدیره و اشاره به مدیر عامل در کنار مدیران،

۱- - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، چاپ سی و هشت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱.

۲- - همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

۳- - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی ام، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶، ص ۶۳۲.

جایگاه مدیر عامل را محدود به معنای لغوی واژه یعنی مدیر کارگزار هیات مدیره نموده است. قانون گذار در مواد ۱۰۹ و ۱۱۲ و ۱۱۴ عبارت مدیران را بدون نیاز به هیچ قرینه‌ای برای توصیف هیات مدیره به کار برده است. ممکن است گفته شود که ذکر عنوان مدیران برای هیات مدیره در مواد قانونی مورد اشاره، به دلیل آن که مقررات مزبور در بخش ناظر به هیات مدیره قرار داشته، امری طبیعی است. در پاسخ به این استدلال باید گفت که در مقررات دیگر مندرج در لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ اشارات روشنی به رد استدلال اخیر و تایید این نگرش که در این لایحه‌ی قانونی، مدیر عامل مصداق مدیران مورد نظر قانون گذار نیستند، وجود دارد. برای نمونه، ماده‌ی ۱۳۳ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مقرر داشته: مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت... انجام دهند.^۱

۲ - حقوق انگلیس

مدیران شرکت که وظیفه انجام اعمال و اقدامات شرکت را بر عهده دارند در گذشته نماینده شرکت محسوب می شدند و قاعده تجاوز از حدود اختیارات که در قرن نوزدهم توسط دادگاه ها مطرح گردید، تا مدت ها نسبت به ایشان اعمال می شد. بر اساس این قاعده، اقدامات خارج از حدود اختیارات شرکت (موضوع شرکت) و همچنین مدیران، بر حسب مورد باطل یا غیر نافذ تلقی می شد. منبع اصلی این قاعده، رای پرونده حمل و نقل اشبری است. در این پرونده، شرکت قراردادی برای ساخت ریل منعقد کرد، در صورتی که موضوع مندرج در اساسنامه، فروش و اجاره قطار و واگن بود. رای دادگاه این بود که سهامداران برای اهداف و مقاصد خاصی که در موضوع مندرج در اساسنامه آمده است حاضر به سرمایه گذاری شده اند و تمایل ندارند سرمایه آن ها صرف امور دیگر شود، بنابراین این اشخاص ثالث هستند که باید در هنگام معامله با شرکت، اساسنامه آن را با دقت مطالعه نمایند. در دعوی دیگر، مدیران شرکت قراردادی از طرف شرکت و خارج از حدود اختیارات خود که مندرج در اساسنامه بود منعقد نمودند. دادگاه این قرار داد را غیر نافذ دانست و شرکت می توانست آن را تنفیذ یا رد کند.^۲

بر این اساس در خصوص امضای اسناد تجاری توسط مدیران تا مدت ها مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بروات انگلیس (۱۸۸۲) که مربوط به امضای سند توسط نماینده می شد، حاکم بود. مطابق این مواد، چنانچه مدیر نمایندگی خود و همچنین نام شرکت را افشا نکند یا خارج از حدود اختیارات خود سندی امضا نماید، خود مسئول آن سند می شود. بند ۱ ماده ۲۶ قانون بروات انگلیس (۱۸۸۲) در مورد افشای نمایندگی و نام اصیل مقرر می دارد

۱ - پاسبان، محمد رضا، ۱۳۹۵، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۷۴.

۲ - اسکینی، ربیعا، شریفی آل‌هاشم، سید الهام الدین، تحلیل اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس، مجله مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۴، ۱۳۷۹ ص ۴۰.

هر کسی براتی صادر کند و در آن قید نماید که به وکالت عمل می کند، شخصا مسئول پرداخت برات نخواهد بود. ولی صرف قید اینکه او به نمایندگی عمل می کند مسئولیت شخصی او را برطرف نخواهد کرد. در واقع نماینده برای اینکه مسئول شناخته نشود، علاوه بر اینکه نمایندگی خود را در سند ذکر می کند لازم است نام اصیل را نیز بیاورد.^۱ همچنین ماده ۲۵ قانون بروات (۱۸۸۲) در خصوص امضای سند تجاری خارج از حدود اختیارات توسط نماینده بیان می دارد: امضا به عنوان وکالت بیانگر این امر است که وکالت وکیل محدود است و اصیل در صورتی مسئول است که وکیل در حدود وکالت عمل کرده باشد. از این رو اگر در سند تجاری نام اصیل و نمایندگی ذکر گردد و نماینده از حدود اختیارات تجاوز نماید بر اساس قاعده تجاوز از حدود اختیارات اصیل (شرکت) در برابر دارنده سند مسئولیتی نخواهد داشت و شخص ثالث می تواند به دلیل تجاوز یا نقض اختیارات توسط مدیر تنها به ایشان مراجعه نماید.^۲

این قاعده و مقررات نمی توانست حقوق اشخاص ثالث را حفظ نماید. علاوه بر این با اصل سرعت در معاملات تجاری مغایر بود. به همین دلیل، قاعده فوق توسط دادگاه ها اصلاح شد. در پرونده ترکواند مدیران بانک رویال بیریتیش اوراق قرضه ای را برای ترکواند صادر کردند. بر اساس اساسنامه بانک، صدور اوراق قرضه موقوف به تصویب مجمع عمومی بود، اما مدیران بدون توجه به این امر اقدام به صدور اوراق قرضه کرده بودند. دادگاه با این استدلال که هرچند اساسنامه یک سند عمومی است و فرض بر اطلاع همه از آن است، اما اشخاص ثالث از امور داخلی شرکت اطلاعی ندارند و فرض اطلاع همه در خصوص امور داخلی شرکت امکان پذیر نیست. در واقع هرچند صدور اوراق قرضه توسط مدیران منوط به مصوبه مجمع است اما اینکه واقعا این مصوبه اخذ شده یا نه مربوط به امور داخلی شرکت است و شخص ثالث وظیف تحقیق در مورد آن را ندارد. مطابق این پرونده قاعده ای ایجاد گردید تحت عنوان قاعده مدیریت داخلی که به قاعده ترکواند هم معروف است. بر این اساس شخص ثالث با حسن نیت، بدون نیاز به تحقیق در امور داخلی شرکت، می تواند فرض کند کلیه تشریفات لازم رعایت شده، مدیران به درستی منصوب شده اند و مصوبات جلسات به درستی ابلاغ گردیده است. قاعده مدیریت داخلی شرکت در پرونده مهونی نیز مورد تاکید قرار گرفت. در این پرونده بر طبق اساسنامه شرکت، چک های شرکت باید به امضای دو مدیر و منشی می رسید، اما مشخص شد که این تشریفات رعایت نشده است. شرکت مسئول تعهد براتی است، زیرا این امر مربوط به امور داخلی شرکت است. در واقع در رابطه بین شرکت و شخص ثالث با حسن نیت، فرض بر این است که تشریفات مربوط به مدیران به درستی رعایت شده است. نکته قابل توجه این است که چنانچه ثابت شود شخص ثالث با آگاهی از

۱ - اسکینی، پیشین، ۱۳۷۹، ص ۴۱.

۲ - جنیدی، لعیا، نوروزی، محمد، شناخت دارندگان اطلاعات نهانی شرکت های سهامی عام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۹، ص ۱۸.

محدودیت اختیارات مدیران با آن ها معامله نموده، شرکت مسئولیتی نخواهد داشت.^۱ با وجود تعدیلی که نظریه مدیریت داخلی بر قاعده خارج از حدود اختیارات ایجاد کرد، نتوانست مشکلات را به طور کامل حل کند، زیرا اشخاص ثالث همچنان مجبور بودند اسانامه و موضوع شرکت را بررسی کنند تا از محدودیت های آن مطلع گردند، به این دلیل، تغییر بنیادینی در این زمینه لازم می نمود. در نتیجه بسیاری از کشورهای مشترک المنافع برای اعمال تغییراتی اساسی همچون وضع قوانین جامع و کاربردی در مورد شرکت ها برای حذف یا محدود کردن قاعده خارج از حدود اختیار گام برداشتند. در نهایت، به موجب قانون شورای اروپا (۱۹۷۲) (که انگلیس نیز به آن پیوسته بود) مقرراتی وضع شد که بر خلاف قاعده کلاسیک خارج از حدود اختیار در نظام حقوق انگلیس بود. بند ۱ ماده ۹ قانون یاد شده چنین بیان می دارد: در خصوص فردی که با حسن نیت با یک شرکت معامله می کند، هر نوع تعاملی که توسط مدیران انجام شده باشد، چنان باید فرض شود که داخل در موضوع یک شرکت است و اختیارات مدیران برای متعهد کردن شرکت فاقد هرگونه محدودیت مقرر در شرکت نامه یا اسانامه است و فردی که طرف معامله است، نباید ملزم به تحقیق در خصوص موضوع شرکت شود. فرض حسن نیت برای افراد ثالث وجود خواهد داشت مگر آنکه مخالف آن اثبات گردد. بدین ترتیب در نظام حقوقی انگلیس از سال ۱۹۷۲ عمل شخص ثالث، با حسن نیت فرض شد و فرض صحت معاملات شرکت در قبال افراد ثالث که متضمن شناسایی صلاحیت عام برای شرکت های تجاری است، پذیرفته شد. مشابه همین مقرر در سال ۱۹۸۹ در اصلاحیه ماده ۳۵ قانون شرکت های انگلیس تکرار شده است. در واقع نظام حقوقی انگلیس در برابر اشخاص ثالث عملاً حسن نیت را مفروض دانسته است و در مواردی که بین شرکت و شخص ثالث در زمینه اقدامات خارج از موضوع یا صلاحیت شرکت، اختلافی ایجاد شود، بار اثبات عمل بر خلاف حسن نیت را به مدعی نقض وضعیت حسن نیت (شرکت) منتقل کرده و در عمل اماره ای قانونی به نفع شخص ثالث ایجاد شده است.^۲

با تصویب قانون شرکت ها در سال ۲۰۰۶، اشخاص ثالث مورد حمایت بیشتری قرار گرفتند. قانون گذار انگلیس با وضع ماده ۴۰ در قانون شرکت ها (۲۰۰۶) درباره صلاحیت مدیران مقررات واضح تری تدوین نمود. این قانون انگیزه ای برای تدوین صلاحیت مدیران مقررات واضح تری تدوین نمود. این قانون انگیزه ای برای تدوین اولین دستورالعمل در زمینه شرکت ها در شورای اروپا بود. ماده ۱۰ این دستورالعمل در همین راستا ایجاد و از سال ۲۰۰۹ لازم الاجرا گردید. در قانون شرکت های انگلیس (۲۰۰۶) فرض جدیدی ایجاد شد و آن این بود که مطابق

۱ - جنیدی، پیشین، ۱۳۸۹، ص ۱۹.

۲ - کاشانی، سید محمود، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، نشر میزان، تهران، چ اول، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۶۰.

بند ۲ ماده ۴۰ شخص ثالث، با حسن نیت عمل کرده و صرف اطلاع او از اینکه مدیران خارج از اختیارات عمل کرده اند، سو نیت تلقی نمی شود. همچنین برخلاف ماده ۳۵ قانون شرکت ها (۱۹۸۹) که در آن از عبارت هیات مدیره استفاده شده بود. در ماده ۴۰ قانون شرکت ها (۲۰۰۶) از واژه مدیران استفاده شده است. البته به نظر می رسد منظور از مدیران هیات مدیره و مدیر عامل باشد و مدیران اداری را شامل نمی شود، بنابراین چنانچه هیات مدیره یا مدیر عامل خارج از اختیارات سند تجاری امضا کند حتی اگر شخص ثالث از حدود اختیارات هیات مدیره یا مدیران آگاهی داشته باشند، شرکت در برابر دارنده، مسئول است مگر اینکه سو نیت شخص ثالث اثبات شود. علاوه بر تغییرات فوق، طبق بند ۱ ماده ۳۱ قانون مذکور، درج موضوع شرکت در اساسنامه لازم نیست و در صورت عدم درج موضوع، شرکت دارای اهلیت کامل است. همچنین مطابق ماده ۳۹ در صورت درج موضوع ((اعتبار عمل حقوقی که خارج از موضوع شرکت باشد به دلیل محدودیت های اساسنامه، تحت تاثیر قرار نمی گیرد)). بدین ترتیب نه تنها معاملاتی که مدیران خارج از حدود اختیاراتشان انجام می دهند در برابر اشخاص ثالث معتبر است بلکه معاملات خارج از اهلیت و موضوع شرکت نیز صحیح تلقی می گردد.^۱

با توجه به مطالبی که بیان شد، بر می آید هر چند قانون گذار انگلیس در ماده ۴۰ قانون شرکت (۲۰۰۶) به طور صحیح از رکن بودن مدیران سخنی نگفته لیکن با اعطای اختیارات گسترده به مدیران، ایشان را رکنی از ارکان شرکت تلقی نموده که تمام اعمالشان چنانچه به نام و حساب شرکت باشد، موجب مسئولیت شرکت در برابر اشخاص ثالث می گردد، بنابراین در رابطه با مسئولیت مدیران شرکت در امضای سند تجاری باید بیان نمود که اگر مدیری سندی را با نام یا از طرف شرکت امضا نماید در هر حال این شرکت است که مسئول تعهد براتی خواهد بود چه اینکه مدیر در حدود اختیارات عمل کرده باشد چه خارج از اختیارات و حتی خارج از موضوع شرکت، از این رو دارنده سند تجاری در هر حال می تواند به شرکت مراجعه نماید و شرکت نمی تواند به عدم نفوذ عمل مدیر استناد کند. امری که در جهت حمایت از شخص ثالث با حسن نیت و حمایت از اصول مهم قانون تجارت از جمله اصل سرعت و اصل اعتماد به ظاهر می باشد.

لازم به ذکر است در رابطه مدیران با شرکت که مدیران باید کلیه محدودیت هایی را که بر اساس ساختار سازمانی برای ایشان تعیین گردیده رعایت نمایند و اعضا همیشه حق تفحص و بررسی برای ممانعت مدیران و شرکت از اعمال خارج از اختیارات دارند. قانون گذار انگلیس در بند ۴ ماده ۴۰ قانون شرکت ها (۲۰۰۶) بیان می دارد که هر سهامداری می تواند قبل از انجام معامله توسط شرکت، به سبب اینکه مدیران خارج از حدود اختیارات عمل نموده اند از انعقاد آن جلوگیری کند. همچنین طبق ماده ۱۷۱ این قانون یکی از وظایف مدیران، عمل در حدود اختیارات است که تخلف از این امر

۱ - صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۸۷، ص ۲۲.

موجب نقض تعهد و مسئولیت در برابر شرکت است. بنابراین اگر مدیری خارج از حدود اختیارات سندی صادر نماید هرچند در برابر شخص ثالث و دارنده سند، مسئولیت براتی ندارد اما در قبال شرکت مسئول نقض تعهد است.^۱

۳ - حقوق ایران

اگرچه حقوق ایران در جهت اعطای اختیارات به مدیران تا حدی به حقوق انگلیس نزدیک شده است اما این امر فقط در مورد یک شرکت خاص (شرکت سهامی) صورت گرفته و در شرکت های دیگر همچنان دیدگاه سنتی (اعمال اختیارات در حدود اجازه) حاکم است.

در رابطه با شرکت های سهامی، هرچند قانون گذار تا سال ۱۳۴۷ مطابق ماده ۵۱ قانون تجارت (۱۳۱۱) مدیر را وکیل شرکت تلقی می نمود اما با تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ در خصوص اختیارات مدیران و رابطه ایشان با شرکت تحولی بنیادین ایجاد نمود، تحولی که مبتنی بر تجربه عملی تر و با توجه به نیازهای جامعه تجاری و همسو با تحولات در خصوص رابطه مدیران در اتحادیه اروپا و حقوق انگلیس بود. در واقع قانون گذار با وضع ماده ۱۱۸ برای مدیران اختیارات وسیعی در نظر گرفته به گونه ای که تمام اقدامات آن ها اگر در حدود موضوع شرکت و خارج از صلاحیت خاص مجامع عمومی باشد در برابر اشخاص ثالث قابل استناد دانسته و شرکت را در هر حال مسئول اعمال مدیران خود قرار داده است.

قائل شدن به این اختیارات وسیع و بی اعتباری محدودیت اختیارات مدیران در برابر اشخاص ثالث بیشتر با نظریه رکن بودن مدیران مطابقت دارد، زیرا مطابق این ماده نیز مدیران در برابر اشخاص ثالث خود شرکت محسوب می شوند و گویی اعمال مدیر، اعمال شرکت است. با مشخص شدن موضع قانون گذار ایران و پذیرش رکن بودن مدیر شرکت سهامی، چنانچه مدیر سندی تجاری از طرف یا به نام شرکت امضا نماید، باید گفت که در هر حال شرکت مسئول تعهد براتی در برابر دارنده خواهد بود مگر اینکه مدیران خارج از موضوع شرکت مبادرت به امضای سند براتی کرده باشند. در این فرض هرچند برخی معتقدند این امضا، شرکت را متعهد می کند اما باید گفت با توجه به اینکه شرکت اهلیت انجام معامله را ندانسته، مسئول نیست و مدیر مطابق قواعد عمومی مسئول جبران خسارت شخص ثالث است.

در واقع مدیر در حدود موضوع شرکت که بیان کننده حقوق و وظایف شرکت است می تواند برای شرکت تجاری عمل کند و قانونگذار در ذیل ماده ۱۱۸ به صراحت اعمال خارج از موضوع شرکت را از حدود اختیارات مدیران خارج دانسته است. در نتیجه

۱- عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، ج اول، ج اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، ص ۵۶.

اقدامات مدیران و امضای سند تجاری خارج از موضوع شرکت، شرکت تجاری را متعهد نمی‌سازد.

در شرکت‌های غیر سهامی، حدود اختیارات و مسئولیت مدیر به صراحت بیان نشده است و صرفاً در ماده ۱۲۱ قانون تجارت (۱۳۱۱) در خصوص مسئولیت مدیران شرکت تضامنی مقرر شده است: حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده. بر اساس ماده ۵۱ مسئولیت مدیر شرکت، همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. قانون‌گذار در این ماده از وکالت مدیر از شرکا سخن به میان آورده است که این امر قابل توجیه نیست، زیرا شرکت دارای شخصیت حقوقی است و مدیران باید در برابر شرکت مسئول باشند. برخی از نویسندگان تعبیر قانون‌گذار را معمول بر مسامحه دانسته‌اند. حکم مساله در خصوص شرکت‌های نسبی، مختلط سهامی و غیرسهامی نیز مطابق حکم مقرر در شرکت تضامنی است، زیرا بر اساس ماده ۱۸۵ قانون تجارت (۱۳۱۱) در مورد شرکت نسبی و ماده ۱۴۴ در مورد شرکت مختلط غیر سهامی، موضوع به مقررات ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ در بحث شرکت تضامنی ارجاع داده شده است.

در خصوص شرکت با مسئولیت محدود قانون‌گذار در تعریف و ترسیم چارچوب اختیارات مدیران رویکردی بینابین شرکت‌های سهامی و تضامنی را در پیش رو قرار می‌دهد. البته با توجه به اینکه طبق ماده ۱۰۵ محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه امکان‌پذیر است، رابطه ایشان به نظریه وکالت نزدیک‌تر است با این توضیح امضای سند توسط مدیران شرکت مذکور در دو حالت قابل بررسی است:

۱) تجاوز از اختیارات مندرج در اساسنامه

۲) تجاوز از حدود اختیارات غیر اساسنامه‌ای.

بنابراین اگر در اساسنامه شرکت، اختیارات مدیر (مدیران) شرکت در اسناد تجاری محدود به سقف معینی شده باشد سند مزبور در قسمت مازاد بر سقف مقرر در اساسنامه، در حق شرکت نافذ نبوده و شرکت با استناد به اساسنامه نسبت به آن مسئولیتی ندارد و مدیر شخصاً در برابر شخص ثالث مسئولیت مدنی خواهد داشت. در واقع در این نوع شرکت‌ها، لازم است؛ اشخاص ثالث هنگام امضای اسناد تجاری، اساسنامه شرکت را مورد ملاحظه قرار دهند؛ تا محدودیت‌های اختیارات مدیران موجب ضرر آن‌ها نشود. امری که با اصل سرعت و نظریه اعتماد به ظاهر در حقوق تجارت در تعارض است. مطابق همین ماده اگر مدیران برخلاف محدودیت‌های غیر اساسنامه‌ای اقدام به امضای اسناد تجاری به حساب یا از طرف شرکت نمایند، این اقدام آن‌ها در برابر اشخاص ثالث و دارنده سند تجاری معتبر است و شرکت نمی‌تواند به محدودیت‌های غیر اساسنامه‌ای در مقابل اشخاص ثالث استناد کند.

در خصوص شرکت تعاونی، ماده ۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) مدیران را

نماینده قانونی شرکت دانسته است. این ماده مقرر می دارد: هیات مدیره، نماینده قانونی شرکت است و می تواند مستقیماً و یا با وکالت با حق توکیل، این نمایندگی را در دادگاه ها و مراجع قانونی و سایر سازمان ها اعمال کند. مسئولیت هیات مدیره در مقابل شرکت، مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. این ماده در مورد حدود اختیارات مدیر صحبت نکرده و تنها در ذیل ماده مسئولیت مدیر را همچون مسئولیت وکیل در مقابل موکل دانسته است. از بیان قانون گذار استفاده می شود اگر رابطه مدیران و شرکت، نمایندگی قانونی باشد، حدود اختیارات مدیران شرکت تعاونی باید بر اساس احکام مربوط به نمایندگی قانونی اعمال شود. به این بیان که چنانچه نماینده (مدیر) خارج از حدود اختیارات عمل نماید، خود باید از عهده خسارت برآید و اصل هیچ مسئولیتی ندارد. بنابراین در این مورد تفاوتی با شرکت های تضامنی نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی نیست. توصیف رابطه نمایندگی میان مدیران و شرکت علاوه بر اینکه برخلاف اصولی چون حمایت از اشخاص ثالث یا حسن نیت و اعتماد به ظاهر اسناد تجاری است، موجب عدم اعتماد اشخاص ثالث به شرکت و کند شدن مناسبات تجاری با دیگر اشخاص می شود، زیرا اشخاص هر لحظه ممکن است با بطلان سند تجاری امضان شده توسط مدیر شرکت به دلیل عدم رعایت حدود اختیارات روبرو شوند، همچنین همین موضوع می تواند موجب سواستفاده از سوی شرکت گردد بدین صورت که شرکت قراردادهای و اسنادی را که برخلاف منفعت خود می داند به این دلیل که مدیر خارج از حدود اختیارات عمل نموده باطل اعلام کند، بنابراین شایسته است؛ قانون گذار برای حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت همانند قانون انگلیس ضمن تصریح به حدود اختیارات مدیران برای مدیران انواع شرکت ها، اختیارات وسیعی قائل شود و در واقع اقدام مدیران را اقدام خود شرکت قلمداد نماید.

مطابق مطالب پیش گفته، در حقوق انگلیس و ایران مدیری که نام شرکت و سمت خود را اظهار نکرده؛ بابت سند تجاری مسئول است و در سایر موارد در نظام حقوقی انگلیس با توجه به پذیرش نظریه رکن بودن مدیر، شرکت در هر حال در قبال اسناد امضا شده توسط مدیر مسئول است، لیکن در حقوق ایران قانون گذار رکن بودن مدیر و اختیارات وسیع ایشان را به شرکتی خاص (سهامی) محدود کرده و درخصوص سایر شرکت ها نظریه نمایندگی و امکان استناد به تحدید اختیارات در مقابل اشخاص ثالث توسط شرکت را پذیرفته که مطابق آن شرکت در قبال اسنادی که مدیر خارج از حدود اختیاراتش امضا کرده، مسئولیتی ندارد و مدیر نیز تنها از باب مسئولیت مدنی در قبال شخص ثالث مسئول است.

نتیجه گیری

بررسی جایگاه حقوقی مدیران شرکت های تجاری نشان داد؛ که با بررسی و تحلیل نظریات مطرح شده به نظر می رسد، از برخی جنبه ها اعمال نظریه های وکالت، نمایندگی

و مستخدم بودن منطقی می‌باشد؛ اما امروزه اعمال این دیدگاه‌ها نسبت به رابطه حقوقی مدیران با شرکت سهامی، از تمام زوایا به عنوان یک نظریه‌ی کامل محل تردید جدی است. زیرا مستلزم اختیارات محدود برای آنها می‌باشد که با اقتضائات امور تجاری در دنیای امروز در تعارض می‌باشد. به این منظور نظریه‌ی جدیدی ارایه گردید؛ که اولین بار از سوی حقوق دانان آلمانی تحت عنوان نظریه‌ی رکنیت یا ارگانیک که مفید اختیارات کامل برای مدیران شرکت می‌باشد مطرح گردید. به موجب این نظریه مدیران شرکت یکی هستند و به عبارت دیگر مدیران خود دیگر شرکت محسوب می‌شوند و اعمال و تصمیمات آنها اعمال و تصمیمات شرکت محسوب می‌شود؛ ولی در تحلیل جایگاه حقوقی مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت بایستی با رویکرد قانون گذار و به دور از افراط اقدام گردد. پذیرش مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت نبایستی آن چنان افراطی باشد که به مفهوم یکی دانستن رکن اداره با خود شخص حقوقی به شمار رود، بلکه رکن اداره همانند دیگر ارکان شرکت مقید به توصیف قانون گذار از هر یک از آن ارکان هستند. به عبارت دیگر مدیران در مقابل اشخاص ثالث فقط رکنی از ارکان شرکت بوده و بین اراده‌ی آنها و اراده‌ی شخص حقوقی وحدت وجود دارد، اما در روابط داخلی، ارتباط آنها با شرکت تابع رابطه حقوقی نمایندگی است و این نمایندگی را مجامع عمومی که نمایندگان قانونی شرکتند به آنها اعطا می‌کنند. اگرچه قانون گذار ایران هیچ جا صریحاً از مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت یاد نکرده است ولی با استنباط از برخی مواد قانونی همچون مواد ۱۷، ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت و ماده‌ی ۷ قانون ثبت شرکت‌ها به نظر می‌رسد؛ مدیران رکنی از ارکان شرکت می‌باشند. در نظام حقوقی انگلستان هم نظریه‌ی مذکور ابتدا ساخته و پرداخته‌ی رویه‌ی قضایی برای توجیه مسئولیت مدنی و کیفری شخص حقوقی بود و بعدها به موجب ماده‌ی ۴۰ قانون شرکت‌ها ۲۰۰۶ پذیرفته شده است.

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، ج دوم، انتشارات سازمان سمت، تهران، چ اول، زمستان ۱۳۷۷.
۲. اسکینی، ربیعا، شریفی آل‌هاشم، سید الهام الدین، تحلیل اختیارات مدیران شرکتهای سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس، مجله مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۴، ۱۳۷۹.
۳. اصغری آقامشهدی، فخر الدین، عیسایی تفرشی، محمد، ماهیت حقوقی رابطه مدیران شرکتهای سهامی با شرکت، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، شماره ۲، ۱۳۸۵.
۴. باقری، محمود، نمایندگی تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۵. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکتهای تجاری، انتشارات سمت، تهران، چ اول، ۱۳۸۵.
۶. پاسبان، محمد رضا، اهلیت شرکتهای تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکتهای تجاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۱، ۱۳۸۹.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
۸. جنیدی، لعبا، نوروزی، محمد، شناخت دارندگان اطلاعات نهانی شرکتهای سهامی عام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۹.
۹. حسنی، حسن، حقوق تجارت، نشر میزان، تهران، چ ششم، بهار ۱۳۸۷.
۱۰. حسینی نژاد، حسنفلی، عقد وکالت، نشر حقوقدان، تهران، چ اول، ۱۳۷۶.
۱۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج دوم، چ اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
۱۲. صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، انتشارات نیل، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۳. صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سازمان سمت، ۱۳۸۷.
۱۴. صقری، منصور، حقوق تجارت، نشر علمی، ۱۳۴۳.
۱۵. عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، تهران، چ دهم، ۱۳۷۳.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، دوره دو جلدی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر

کبیر، ۱۳۶۳

۱۷. عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ج اول، چ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸

۱۸. عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ج دوم، چ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶

۱۹. غلامی، جهان بخش، نظریه‌ی اصیل بودن طرف قرارداد در حقوق تجارت، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

۲۰. فروحی، حمید، حقوق تجارت، شرکت‌های سرمایه‌ای، جلد اول، چاپ اول، انتشارات روزبهان، تهران، ۱۳۷۲.

۲۱. کاتبی، حسین قلی، حقوق تجارت، چ پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹

۲۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج دوم، چ اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸

۲۳. کاشانی، سید محمود، شرکت مدنی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، ۱۳۶۵

۲۴. کاشانی، سید محمود، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، نشر میزان، تهران، چ اول، تابستان ۱۳۸۸

۲۵. کامیار، محمد رضا، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی، مجموعه سوم، نشر حقوقدان، تهران، چ اول، پاییز ۱۳۷۶

۲۶. مهاجریان، عباس، مدیران در شرکتهای سهامی، مجله کانون وکلا، ش ۱۳۳، ۱۳۵۴

۲۷. نصیری، مرتضی، حقوق چند ملیتی، تهران، چ اول، نشر دانش امروز، ۱۳۷۰

۲۸. نصیری، مرتضی، حقوق تجارت بین المللی در نظام حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳.

۲۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، سؤال و جواب، به اهتمام سید مصطفی محقق داماد، چاپ اول، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶